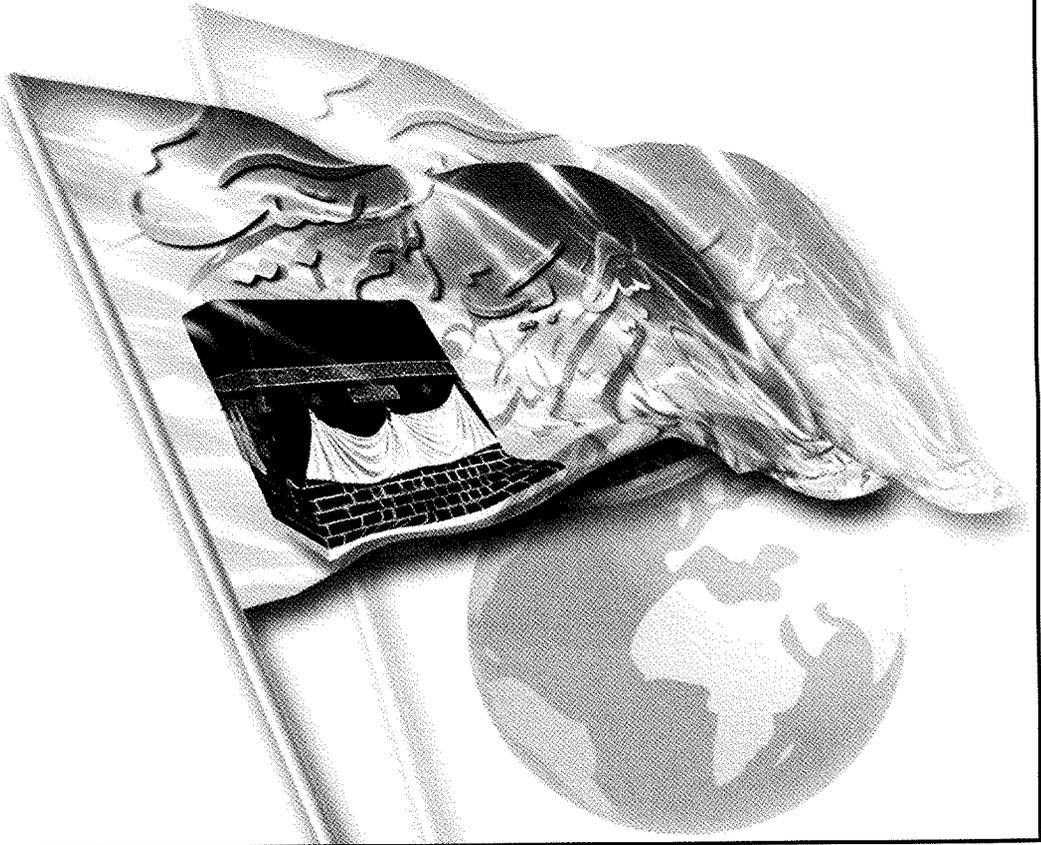
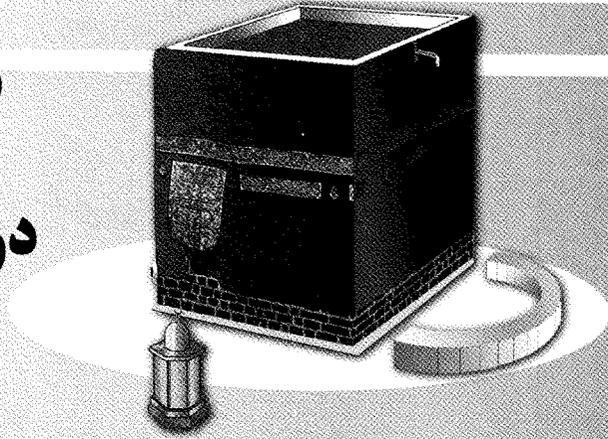


اماکن و آثار



نام‌های ارکان کعبه

در کتب تاریخ مکه (۲)



سید جواد مظلومی

در بخش نخست این نوشتار، نام‌های گوناگونی را که ارکان کعبه بدانها خوانده شده‌اند، بر شمرديم و اختلاف‌های صاحبان نظریه را در هر زمینه یادآور شدیم.

مهمترین اختلاف در تعیین مصادیق، دو رکن عراقی و شامی است. برخی رکن اسود را عراقی و رکن بعدی را شامی خوانده‌اند و گروهی رکن بعد از رکن اسود را عراقی و گوشه سوم کعبه را شامی می‌شمارند. در بخش پیشین آوردیم که بیشتر احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و اتفاق فقهای شیعی منطبق بر دیدگاه اول است.

کعبه نخستین خانه‌ای است که برای عبادت خداوند بر روی زمین بنا شده است و پیشینه‌ای بیش از پیدایش آدمیان بر کره خاکی دارد. مکه خاستگاه باورهای دین خاتم و جایگاه رشد و بالندگی پیامبر آخر الزمان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است. جای جای این وادی ایمن یاد ماندگار لحظه لحظه‌های آن دوران را در خود به امانت دارد و از همین روی، سیره نویسان و تاریخ نگاران فراونی در اعصار گذشته، به فراخور توان علمی و به میزان فراخنای دانش خویش، در ثبت و نقل سرگذشت این بلد طیب کوشیده و سلسله تألیفاتی در حوزه تاریخ مکه از خود به

یادگار گذاشته‌اند. روشن است که گفتگو از کعبه، در قلب مباحث مذکور جای داشته و بارها و به مناسبت‌های گوناگون، در فصولی مستقل و یا در ضمن بخش‌های دیگر، به تصریح و تفصیل و یا به اشاره و اجمال بیان شده است. از این رو، باید بیشترین نوشته‌ها را در باره نام‌های ارکان کعبه، در این نوشتارها جست.

ما نیز می‌کوشیم تا با لحاظ ترتیب زمانی، کتب تاریخ مکه را به دنبال قرائن تعیین مصادیق ارکان ورق بزنیم. پس، نه تنها از تصریح مؤلفان در نامگذاری و تطوّر نام‌ها بهره می‌جویم، بلکه کاربرد هر اسمی را که بر مصداقی معین دلالت کند، باید در پژوهش خود دلیلی بر یکی از دو دیدگاه مذکور بشماریم. گرچه بحث نام‌ها و وجوه تسمیه، از گستردگی چندان و منابع فراوان برخوردار نیست لیکن نوع دوم از منابع - کاربردهای دارای مصداق متعین - دچار کثرتی چشمگیر و توزیعی فراخ است که در ذیل عناوینی قابل دسته بندی است.

روشن است که در دانش‌های نقلی؛ همچون تاریخ، با دستیابی به هر منبع متقدم، از واگویی‌های آن در متون متأخر بی‌نیاز می‌گردیم. بنابراین، به نظر می‌رسد علاوه بر کتب اولیه تاریخ مکه، تنها تحقیقات میدانی متأخرین و گزارش آنها از مشاهدات خویش ما را به سوی مقصود رهنمون خواهد شد؛ ولی باید به خاطر داشت که شیوع استعمال مشابه نام‌ها در متون یک دوران، نشانگر انصرافی آشکار و وضعی حداقلی تعینی در آن معنی است. پس در کنار قدیمی‌ترین منبع هر سخن و در جنب گزارش مشاهدات هر مؤلف، نقل‌های متأخران در مواردی قابل استدلال خواهد بود.

هر گاه ناقلی سخن پیشینیان را نقل به معنا می‌کند و مقصود ایشان را در قالب الفاظی نو می‌آورد، گفتارش مستندی مستقل محسوب می‌گردد؛ زیرا در این حالت، الفاظ دارای ویژگی‌های زبانی ناقل است و به تبع نشانگر تبادر و انصراف الفاظ در زمان متأخر می‌باشد و این نکته، چنانکه خواهد آمد سر تناقض متوهم در برخی از متون است که به هنگام نقل عین عبارت گذشتگان را حکایت نموده‌اند، ولی در توضیحات خود به شیوه عصر و دوران خویش گام برداشته‌اند.

نظر به قدمت متون اولیه، تصحیفات ناشی از استنساخ‌های متعدد و تشابه خطی و نوشتاری برخی از کلمات، عواملی است که تصحیح کتب تاریخ مکه را از بایسته‌های اولیه نشر این منابع محسوب می‌کند. حال اگر مصححان به روش قیاسی و بدون توجه به احتمال پیدایش

نقل در معانی الفاظ، در هر متنی اعمال نظر نمایند، ردّ پاهای و قراین فراوانی را در دسترس محققان پنهان داشته‌اند. از سوی دیگر، در بسیاری از نسخه‌ها، خطاط یا مالک نسخه، کلامی توضیحی را در حاشیه متن نگاشته بوده که به تدریج و طی استنساخ‌های بعدی، به عنوان بخشی از متن افزوده شده است. نقل عبارت پیشینیان در متون متأخر، قرینه‌ای بر بازشناسی افزوده‌های نسخه و اجتهادهای ناصواب مصححان خواهد بود؛ چنانکه در بخش قبل نیز برخی از تصحیفات و خطاهای تصحیح کتاب‌ها را بر شمردیم.

در صدر فهرست کتب تاریخ مکه، به رساله «فضائل مکه و السکن فیها» تألیف حسن بن یسار بصری (متوفای سال ۱۱۰ هـ) برمی‌خوریم. مخاطب این نوشته زاهدی به نام عبدالرحیم یا عبدالرحمان بن انس رمادی است^۱ که در صدد ترک مکه و سکونت در یمن بوده است و مؤلف می‌کوشد با نقل احادیث فضایل مکه، او را از این تصمیم منصرف سازد. عنوان رکن شامی، تنها یک بار در صفحات پایانی این نامه آمده است:

«من صلّی فی الحجر رکعتین ناحیه الرکن الشامی فکأنّه أحيی سبعین ألف ليلة و كان كعبادة كل مؤمن و مؤمنة و كأنما حج أربعين حجة مبرورة مُتَقَلِّبَةً»^۲

اما چون طبق هر دو نظریه، رکن شامی در مجاورت حجر اسماعیل قرار دارد، از عبارت مذکور نمی‌توان تأییدی برای هیچ‌یک به دست آورد.

۱. اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار

این کتاب نوشته ابوالولید ازرقی (متوفای ۲۴۸ هـ) است و قدیمی‌ترین کتاب مبسوط و جامعی است که به همه جوانب تاریخ مکه پرداخته و بحمد الله هم اکنون در اختیار است. ازرقی در مباحث ذیل، عبارات روشنی در تعیین مصادیق رکن عراقی و شامی دارد:

۱. ابعاد کعبه در بنای ابراهیم علیه السلام

در بیان ابعاد، ازرقی نام چهار رکن را به ترتیب: اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند:

«و جعل طولہ فی السماء تسعة أذرع و عرضه فی الأرض اثنين و ثلاثین ذراعاً من الرکن الأسود إلى الرکن الشامی الَّذی عند الحجر من وجهه و جعل عرض

ما بین الركن الشامى إلى الركن الغربى الذى فيه الحجر اثنین و عشرين ذراعاً، و جعل طول ظهرها من الركن الغربى إلى الركن الیمانى احد^۳ و ثلاثین ذراعاً و جعل عرض شقها الیمانى من الركن الأسود إلى الركن الیمانى عشرين ذراعاً، فلذلك سمیت الكعبة لأنها على خلقة الكعب^۴»

ازرقى ضمن گزارش ابعاد کعبه دوران خود، ارکان را به همان ترتیب اسود، شامی، غربی و یمانی آورده است.

۲ - ابعاد کعبه در بنای عبد الملك مروان

هنگامی که حجاج بر عبد الله بن زبیر چیره شد، به دستور عبدالملك کعبه را ویران کرد تا تغییراتی را که ابن زبیر ایجاد کرده بود، به حال بنای دوران قریش بازگرداند. ابعاد کعبه بعد از آن ثابت مانده و در بازسازی‌های بعدی، گرفتار تحوّل نشده است. ازرقى ضمن گزارش ابعاد کعبه دوران خود، ارکان را به همان ترتیب اسود، شامی، غربی و یمانی آورده است:

«طولها في السماء سبعة و عشرون ذراعاً، و ذرع طول وجه الكعبة من الركن الأسود إلى الركن الشامى خمسة و عشرون ذراعاً، و ذرع دبرها من الركن الیمانى إلى الركن الغربى خمسة و عشرون ذراعاً، و ذرع شقها الیمانى من الركن الأسود إلى الركن الیمانى عشرين ذراعاً، و ذرع شقها الذى فيه الحجر من الركن الشامى إلى الركن الغربى أحد و عشرون ذراعاً»^۵.

۳ - چراغ‌های مسجد الحرام

نخستین کسی که برای روشنی مسجد الحرام در شب‌ها چراغ افروخت، عقبه بن ازرق بود. او، که خانه‌اش در جوار مسجد بود، شب هنگام چراغی را بر روی دیوار میان خانه خود و مسجد می‌نهاد تا طواف‌گزاران و اهل مسجد، از روشنایی آن بهره‌مند گردند.^۶ اما خالد بن عبدالله قسری در دوران عبد الملك بن مروان او را از این کار بازداشت و خود چراغی را بر روی ستونی بلند در کنار زمزم برافراشت. بنا بر نقل ازرقى، چراغ‌های بعد در امتداد رکن‌های

غربی، یمانی و شامی برپا شدند. تغایر رکن غربی با رکن شامی نشانه آشکار دیدگاه مؤلف است:

«قال أبو الوليد: فلم يزل مصباح زمزم على عمود طويل مقابل الركن الأسود الذي وضعه خالد بن عبد الله القسري فلما كان محمّدين سليمان على مكة خلافة المأمون في سنة ست عشرة و مائتين وضع عموداً طويلاً مقابله بحذاء الركن الغربي فلما ولّى مكة محمّد بن داود جعل عمودين طويلين أحدهما بحذاء الركن اليماني و الآخر بحذاء الركن الشامي».^۷

۴ - حجر اسماعیل عليه السلام

ازرقی حجر اسماعیل را میان دو رکن شامی و غربی می‌داند. پس رکن شامی دوّمین رکن طواف خواهد بود:

«قال أبو الوليد: الحجر مدور و هو ما بين الركن الشامي و الركن الغربي».^۸

و در جای دیگر تصریح می‌کند:

«و ميزاب الكعبة في وسط الجدر الذي يلي الحجر بين الركن الشامي و الركن الغربي يسكب في بطن الحجر».^۹

۵ - جایگاه پلکان داخل کعبه

بنای ابراهیمی کعبه سقف نداشت^{۱۰} و برای نخستین بار قریشیان خانه خدا را مسقف ساختند^{۱۱} و برای رسیدن به بام کعبه پلکانی بنا نمودند که در گوشه شمالی کعبه قرار دارد. ازرقی در بیان داستان بنای پلکان، رکن مزبور را شامی می‌خواند:

«و جعلوا درجة من خشب في بطنها في الركن الشامي يصعد منها إلى ظهرها».^{۱۲}

در بازسازی دوران عبد الله بن زبیر نیز به این نکته تصریح می‌کند:

«و جعل لها درجة في بطنها في الركن الشامي من خشب معرجة يصعد فيها إلى
ظهرها»^{۱۳}.

بلکه او هرگاه از این پلکان سخن می‌گویند، همین نام را برای رکن به کار می‌برد:

«و في الكعبة إذا دخلتها على يمينك درجة يظهر عليها إلى سطح الكعبة ومربعة
مع جدرى الكعبة في زاوية الركن الشامي»^{۱۴}.



۶ - جایگاه الواح زرین و سیمین داخل کعبه

درون کعبه ۶ لوح قرار دارد. در بیان جایگاه الواح، ازرقی ارکان را به ترتیب به نام‌های
اسود، شامی، غربی و یمنی می‌خوانند و علاوه بر آن، مجدداً تصریح می‌کند که پلکان کعبه در
رکن شامی واقع است:

«و من الألواح الملبسة الذهب و الفضة التي في الأركان ستة ألواح، طول كل
لوح منها أربعة أذرع و أربعة أصابع و عرض كل لوح منها ذراع و أربعة أصابع،
منها لوح في طرف زاوية الجدر الذي يلي الدرجة و هو الشامي و لوح في
زاوية الركن الغربي و هو ممّا يلي الحجر و في طرف الجدر الذي بين الركن
الغربي و الركن اليماني لوحان و في طرف الجدر الذي بين الركن اليماني و
الركن الأسود لوح و هو ممّا يلي الركن اليماني و في الملتزم لوح و في الجدر
الذي على يمينك إذا دخلت الكعبة لوح»^{۱۵}.

۷ - شاذروان

زمانی که در بازسازی‌های کعبه، ابعاد خانه قدری کوچکتر از بنای ابراهیمی بنا شد؛ برای حفظ ابعاد اصلی، فضای عقب‌نشینی شده را با ساخت سکویی کم ارتفاع، علامت‌گذاری کردند که «شاذروان» نامیده شد و چون ملاک در طواف، حدّ اصلی کعبه است؛ فقها برای حصول شرط خروج طواف‌گزار از کعبه، طواف بر روی شاذروان را صحیح نمی‌دانند.^{۱۶} ازرقی سنگ‌های به کار رفته در بنای شاذروان را ۶۸ عدد می‌داند و ارکان را به همان نام‌های: اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند:

«و عدد حجارة الشاذروان التي حول الكعبة، ثمانية و ستون حجراً في ثلاثة وجوه من ذلك من حدّ الركن الغربي إلى الركن اليماني خمسة و عشرون حجراً؛ منها حجر طوله ثلاثة أذرع و نصف و هو عتبة الباب الذي سد في ظهر الكعبة و بينه و بين الركن اليماني أربعة أذرع و في الركن اليماني حجر مدور و بين الركن اليماني و الركن الأسود تسعة عشر حجراً و من حدّ الشاذروان إلى الركن فيه الحجر الأسود ثلاثة أذرع و اثنا عشر إصبعاً ليس فيه شاذروان، و من حدّ الركن الشامي إلى الركن الذي فيه الحجر الأسود ثلاثة و عشرون حجراً و من حدّ الشاذروان الذي يلي الملتزم إلى الركن الذي فيه الحجر الأسود ذراعان ليس فيهما شاذروان و هو الملتزم».^{۱۷}

۸ - قبله پیامبر ﷺ

ابن جماعه فصلی را به گزارش دقیق اندازه‌گیری ابعاد کعبه اختصاص داده و ارکان را به ترتیب اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند و برای نخستین بار در کتب تاریخ مکه نقل می‌کند که گاهی رکن شامی عراقی نیز خوانده می‌شود.

اهتمام مسلمانان به حفظ آثار حیات پر برکت پیامبر ﷺ، آنان را واداشته است حتی جهتی را که پیامبر ﷺ رو به کعبه می‌ایستاد و نماز می‌گزارد، در کتب

تاریخ گزارش کنند و چون نماز خواندن به آن سو را واجد فضیلت دانسته‌اند، در نقل سمت قبله پیامبر ﷺ دقت بیشتری کرده‌اند. اقوال گوناگون قبله گاه پیامبر ﷺ را در ادامه نوشتار، به مناسبتی دیگر، به تفصیل بیان می‌کنیم ولی در بحث فعلی، ازرقی قبله النبي ﷺ را حد فاصل میان ناودان کعبه و رکن شامی می‌داند. چون ناودان در حجر اسماعیل قرار دارد، رکن شامی یکی از دو رکن ابتدا یا انتهای حجر خواهد بود؛ از این رو، با قید «یلی المقام» مصداق رکن شامی را به رکن آغازین حجر محدود می‌سازد:

«حدثنا أبو الوليد قال: حدثني جدِّي حدثنا سفیان عن ابن ابي نجیح قال: قال عبد الله بن عمرو بن العاص: البيت كلّه قبله و قبلته وجهه، فإن أخطأك وجهه فقبله النبي ﷺ، و قبله النبي ﷺ ما بين الميزاب إلى الركن الشامي الذي يلي المقام».^{۱۸}

۹ - جایگاه مقام ابراهیم

تردید نیست که قرار گرفتن مقام ابراهیم در جایگاه کنونی، به دست خلیفه دوم انجام گرفته است و پیش از آن، مقام در جهت جایگاه فعلی، چسبیده به خانه خدا بوده است:

«فاحتمل المقام من موضعه هذا فذهب به حتی وجد بأسفل مکه فأتی به فربط إلى أستار الكعبة في وجهها».^{۱۹}

ازرقی از جدش نقل می‌کند که هرگاه شمارش را از حجر اسماعیل ﷺ آغاز کنیم، سنگ هفتم یا نهم از سنگ‌های شاذروان، جایگاهی است که مقام در مجاورت کعبه بوده است؛ چنانکه گذشت، آن محل در جنب دیواری بوده که از رکن اسود آغاز و به حجر اسماعیل ﷺ پایان می‌یابد. ازرقی در این نقل، در و رکن آغازین حجر را شامی خوانده، در تعیین مصداق رکن شامی ابراز نظر قطعی می‌کند:

«قال أبو الوليد، قال لي جدي بعد ما جصص شاذروان الكعبة بالجصّ و المرمر و أنّما جصص حديثاً من الدهر، فقال لي و أنا معه في الطواف أعدد من باب الحجر الشامي من حجارة شاذروان الكعبة فإذا بلغت الحجر السابع فإن كان

حجراً طویلاً هو أطول السبعة فيه حفر شبه النقر فهو موضعه و إلا فهو التاسع من حجارة الشاذروان، قال جدِّي نسيت عددها و قد كنت عددتها هي إمّا سبعة و إمّا تسعة إلاّ أنّه حجر طويل هو أطول السبعة أو التسعة فيه الحف فإن رأيته قد قذف عنه الجص فاعدد وانظر إليه».^{۲۰}

گرچه ازرقی عمل خلیفه دوم را بازگرداندن مقام به جایگاه اصلی اش می داند و مدعی است انتقال مقام به جوار کعبه حاصل سیل امّ نهشل بوده است^{۲۱} ولی در روایات اهل بیت علیهم السلام، این عمل عدول از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و رجعت به سنن جاهلیت خوانده شده است:

«زراره گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: آیا حسین علیه السلام را درک کردی؟ فرمود: آری، به یاد می آورم که همراه او در مسجد الحرام بودم. سیل وارد مسجد شد. مردم روی مقام می ایستادند. برخی که بیرون می رفتند، می گفتند: مقام را سیل برد و بعضی می گفتند: سر جای خود است.

به من فرمود: فلانی! مردم چه کردند؟ گفتم خداوند به صلاحت دارد، مردم بیم آن دارند که سیل، مقام را برده باشد. فرمود: ندا بده که خداوند، آن را نشانه قرار داده است، آن را نخواهد برد. پس مردم آرامش یافتند. جایگاه مقام، که ابراهیم علیه السلام آن را قرار داده بود، کنار دیوار کعبه بود. همچنان آن جا بود، تا آن که مردم جاهلیت آن را به جایگاه امروزش منتقل کردند. چون پیامبر مکه را فتح کرد، به همان جایی برگرداند که ابراهیم نهاده بود. آن جا بود تا آن که عمر بن خطاب به حکومت رسید، از مردم پرسید: کدام یک از شما جایگاه قبلی آن را می داند؟ مردی گفت: من جای آن را با افساری که نزد من است، اندازه گرفته ام. گفت: آن را بیاور. آن را آورد. پس اندازه گرفت و مقام را به همان جا برگرداند».^{۲۲}

در روایتی که کلینی از سلیم بن قیس نقل می کند و در کتاب سلیم نیز آمده است.^{۲۳} امام علی علیه السلام اصلاح این بدعت ها را امری لازم می شمارد که تنها به دلیل عدم همراهی مسلمانان سست عهد دوران خویش، قادر بر تصحیح آنها نیست.

«حکمرانان پیش از من کارهایی انجام دادند که در آنها با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مخالفت کردند و از روی تعمد، راه خلاف پیمودند و پیمانش را شکستند و سنت و روشش را تغییر دادند و اگر من بخواهم مردم را به ترک آنها وادارم و به جای اصلی آنها بازگردانم و به همان

ترتیب، که در زمان پیامبر ﷺ بود، مقرر دارم، لشگر از پیرامون من پراکنده شوند تا جز خودم تک و تنها به جای نمازم و یا اندکی از شیعیان من، که برتری مرا شناخته و وجوب طاعت و امامت مرا از روی کتاب خدای عزّ و جلّ و سنت پیامبر ﷺ دانسته‌اند، به جای مانند.

اگر می‌دیدید که من دستور می‌دادم تا مقام حضرت ابراهیم علیه السلام را به جای اصلی آن، که حضرت رسول ﷺ آن را در آنجا نهاده بود، برمی‌گرداندم... در این صورت مردم از دورم پراکنده می‌شدند.^{۲۲}

۱۰ - فاصله رکن شامی تا مقام ابراهیم علیه السلام

ازرقی در تبیین جایگاه مقام ابراهیم، فاصله آن را از دیوار کعبه، شاذروان و دو رکن اسود و شامی می‌داند و این نشانگر آن است که رکن شامی در دیواره سمت مقام قرار گرفته و دوّمین رکن طواف است:

«و ذرع ما بین الرکن الأسود إلى مقام ابراهیم علیه السلام، تسعة و عشرون ذراعاً و تسع أصابع، و ذرع ما بین جدر الکعبة من وسطها إلى المقام، سبعة و عشرون ذراعاً، و ذرع ما بین شاذروان الکعبة إلى المقام، ستة و عشرون ذراعاً و نصف، و من الرکن الشامی إلى المقام، ثمانية و عشرون ذراعاً و تسع عشرة إصبعا».^{۲۵}

۱۱ - فاصله ارکان کعبه تا مناره‌ها

در زمان ازرقی ۴ مناره در گوشه‌های چهارگانه مسجد الحرام بوده است.^{۲۶} ازرقی فاصله هر رکن کعبه را از مناره‌ای که در محاذاتش قرار دارد، به دقت بیان می‌کند و رکن شامی را در امتداد مناره مروه می‌داند که در جهت شمال قرار گرفته است. پس رکن شامی نیز همان رکن شمالی کعبه خواهد بود:

«و من رکن الکعبة الشامی إلى حدّ المنارة التي تلي المروة مائتا ذراع و أربعة و ستون ذراعاً، و من رکن الکعبة الغربي إلى حدّ المنارة التي تلي باب بني سهم مائتا ذراع و ثمانية أذرع و نصف، و من الرکن الیمانی إلى المنارة التي تلي

أجیاد الکبیر مائتا ذراع و ثمانية عشر ذراعاً و ست عشرة إصبغاً، و من الركن الأسود إلى المنارة التي تلي المسعى و الوادي مائتا ذراع و ثمانية عشر ذراعاً».^{۲۷}

۱۲ - فاصله رکن شامی تا باب بنی شیبه

هنگامی که پیامبر خدا ﷺ مکه را آزاد کرد و بیت الله را از لوٹ اصنام پاک ساخت، بت هبل در آستانه باب بنی شیبه دفن گردید و بنا بر برخی روایات، استحباب ورود از باب بنی شیبه به همین جهت است.^{۲۸} در پیش گفته در موازی کعبه و در جهت مقام ابراهیم عليه السلام قرار داشته که اکنون نیز در همان محاذات با تغییر نام، به عنوان باب السلام از درهای فعلی مسعی است. نقل ازرقی نشانگر آن است که رکن شامی در جهت مسعی قرار داشته و لذا نمی تواند رکن غربی کعبه باشد:

«و من الركن الشامي إلى وسط باب بني شيبه مائتا ذراع و خمسة و أربعون ذراعاً و خمس أصابع».^{۲۹}

اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه

نوشته ابو عبدالله محمد بن اسحاق فاکهی است. گرچه تاریخ دقیق دوران حیات او بر ما پوشیده مانده، لیکن بی تردید در سال ۲۷۲ در قید حیات بوده است. با تأسف جزو اول کتاب مفقود شده و نسخه موجود شامل جزو دوم کتاب و بخش هایی از جزو اول است که در ضمن کتاب های دیگر نقل شده بوده و با تلاش مصحح محترم گردآوری گردیده است. مشابهت مطالب این کتاب با اخبار مکه ازرقی قابل انکار نیست و از خلال مباحث آتی نیز این نکته به خوبی مشخص خواهد شد ولی می توان نزدیکی دوران دو نویسنده و بهره گیری از منقولات مشابه را از مهمترین عوامل این تقارب به شمار آورد. مباحثی که در تعیین مصداق ارکان می تواند مورد تمسک قرار گیرد، عبارت اند از:

۱ - جایگاه مقام ابراهیم عليه السلام

فاکهی، جایگاه مقام را در جوار کعبه، با عبارتی مشابه ازرقی نقل کرده و تنها تفاوتش این



است آن را به جای جدّ ازرقی، به برخی از مکّیان اسناد داده است. مشابهت عبارت و حتی تردید میان دو عدد هفتم و نهم، احتمال اقتباس فاکهی از ازرقی را تقویت می‌کند.

«و ذکر عن بعض المکّیین أنّ الموضع الَّذی ربط عنده المقام فی وجه الکعبه بأستارها إلى أن حجّ عمرین الخطاب فرده و ذلك أن يعد الطائف من باب الحجر الشامي من حجارة شاذروان الکعبه إلى أن يبلغ الحجر السابع فإذا بلغ الحجر السابع فهو موضعه و إلاّ فهو التاسع من حجارة الشاذروان».^{۳۰}

فاکهی در موارد دیگری هم منقولات ازرقی از جدّش را با تعبیر «بعض المکّیین» روایت می‌کند. چنانکه محلّ نماز پیامبر ﷺ را بنا به نقل برخی از مکّیان همین جایگاه اولیه مقام ابراهیم ﷺ می‌داند.^{۳۱} در حالی که ازرقی همین معنا را با عبارتی مشابه از جدش نقل می‌کند.^{۳۲}

۲- فاصله رکن شامی تا مقام ابراهیم ﷺ

فاکهی نیز رکن شامی را در سمت مقام ابراهیم ﷺ می‌داند و فاصله مقام از رکن را با دقت، همچون ازرقی گزارش می‌کند:

«و ذرع ما بین شاذروان الکعبه إلى المقام ستّة و عشرون ذراعاً و اثنتا عشرة إصبعاً و من الرکن الشامي إلى المقام ثمانية و عشرون ذراعاً و تسع عشرة إصبعاً».^{۳۳}

۳- فاصله ارکان کعبه تا مناره‌ها

رکن شامی را فاکهی نیز در محاذات مناره مروه می‌داند و فاصله آن دو را با عبارتی مانند ازرقی نقل می‌کند:

«و من رکن الکعبه الشامي إلى حدّ المنارة التي تلي المروة مائتا ذراع و أربعة و ستون ذراعاً و من رکن حدّ الکعبه الغربي إلى حدّ المنارة التي تلي باب بني سهم مائتا ذراع و ثمانية أذرع و اثنتا عشرة إصبعاً».^{۳۴}

۴- فاصله رکن شامی تا باب بنی شیبه

عبارت فاکهی در این مورد، همانند عبارت ازرقی است:

«و من الركن الشامي إلى وسط باب بني شيبه مائتا ذراع و خمسة و أربعون ذراعاً و خمس أصابع».^{۳۵}

فاکھی در داستان چراغ‌های مسجد الحرام می‌فرماید:

و كان مصباح زمزم هذا فيما مضى على عمود طويل مقابل الركن الأسود الموضع الذي وضعه خالد بن عبدالله. فلما ولى محمد بن سليمان مكة في سنة ست عشرة و مائتين وضع عموداً طويلاً مقابله بحذاء الركن الغربي، فكأننا كذلك حتى كانت سنة اثنتين و عشرين و مائتين، فولّى محمد بن داود مكة، فجعل عمودين طويلين: أحدهما عند الركن اليماني، و الآخر بحذاء الركن الغربي».^{۳۶}

آشفتگی متن حاضر کاملاً آشکار است؛ زیرا بنا بر این عبارت، باید دومین و چهارمین چراغ، هر دو، در امتداد رکن غربی نصب شده باشد و رکن

مکه را آزاد کرد و بیت الله را از لوث اصنام پاک ساخت، بت هبل در آستانه باب بنی شیبه دفن گردید و بنا بر برخی روایات، استحباب ورود از باب بنی شیبه به همین جهت است.

شامی فاقد روشنایی فرض گردد. مراجعه به متن ازرقی، نشانگر آن است که تعبیر «الركن الغربي» در پایان عبارت باید به «الركن الشامي» تصحیح گردد؛ که در این حالت متن مذکور نیز دلیلی دیگر بر توافق در مصداق رکن شامی خواهد بود.

اتحاد عبارات و یکسانی ترتیب ذکر آنها، این احتمال را بسیار تقویت می‌کند که ۸ مورد نخست منقول از ازرقی، باید در ضمن بخش مفقود اخبار مکه فاکھی قرار داشته باشد.

هداية السالك إلى المذاهب الأربعة في المناسك

کتاب «هداية السالك...» چنانکه از نامش پیداست، حاوی مناسک حج بر اساس فتوای مذاهب اهل سنت است و از این رو، مناسب بود که در زمره کتب فقهی اهل تسنن مورد بررسی قرار گیرد؛ ولی چون عزالدین بن جماعة کنانی، مؤلف کتاب، گزارش‌های دقیقی از مشاهدات عینی خود درباره ابعاد مسجد الحرام و کعبه نقل نموده، تبیین دیدگاه‌های او در زمره



نگارندگان تاریخ مکه بی تناسب نخواهد بود و شاید از همین روست که در کتب تاریخ مکه نیز بخشی به گزارش مشاهدات او اختصاص دارد. مؤلف از سال ۶۴۹ تا ۷۶۷ در قید حیات بوده و زمان مشاهدات خویش در سال ۷۵۳ را اعلام می‌کند:

«و حررت أنا ارتفاعها و مقدار ما بین أركانها و غیر ذلك لما كنت مجاوراً بمكة سنة ثلاث و خمسين و سبعمائة».^{۳۷}

ابن جماعه در دو بحث، دیدگاه خود را در مصادیق ارکان کعبه بیان می‌کند:
۱ - معنای استقبال قبله:

ابن جماعه در توضیح معنای استقبال، به امام جماعتی مثال می‌زند که رو به رکن اسود ایستاده است و جهت او را از رکن شامی تا رکن یمانی می‌داند. پس، از دید او رکن‌های یمانی و شامی در مجاورت رکن اسود قرار دارند:

«و لو صَلَّى الإمام إلى نفس الركن الَّذي فيه الحجر الأسود مثلاً، فالذي يظهر: ان جهة الإمام ما حاذاه بدنه من ناحيتي الركن مع الركن و هو ما بين الركن الشامي و الركن اليماني، و لم أقف على نقل في هذه المسألة، والله تعالى أعلم».^{۳۸}

۲ - ابعاد کعبه از داخل و خارج:

ابن جماعه فصلی را به گزارش دقیق اندازه‌گیری ابعاد کعبه اختصاص داده و ارکان را به ترتیب اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند و برای نخستین بار در کتب تاریخ مکه نقل می‌کند که گاهی رکن شامی عراقی نیز خوانده می‌شود:

«بین الركن الَّذي فيه الحجر الأسود و بين الركن الشامي - و يقال العراقي - من داخل الكعبة ثمانية عشر ذراعاً و ثلث و ربع و ثمن، و من خارجها ثلاثة و عشرون ذراعاً و ربع ذراع... و بين الركن الشامي و الغربي من داخل الكعبة خمسة عشر ذراعاً و قيراطان، و من خارجها ثمانية عشر و نصف و ربع... و بين الغربي و اليماني من داخلها ثمانية عشر ذراعاً و ثلثا ذراع و ثمن ذراع، و من خارجها ثلاثة و عشرون ذراعاً... و بين الركن اليماني و الركن الأسود من

داخلها خمسة عشر ذراعاً و ثلث ذراع، و من خارجها تسعة عشر - بتقديم التاء على السين - و ربع... كل ذلك حرر بذراع القماش المستعمل في زماننا بمصر».^{۳۹}

استفاده از صیغه مجهول برای اشاره به ضعف قول مخالف - عراقی نامیدن رکن شامی - است؛ ولی در نقل کلام دیگران ابن جماعه امانت داری می‌کند:

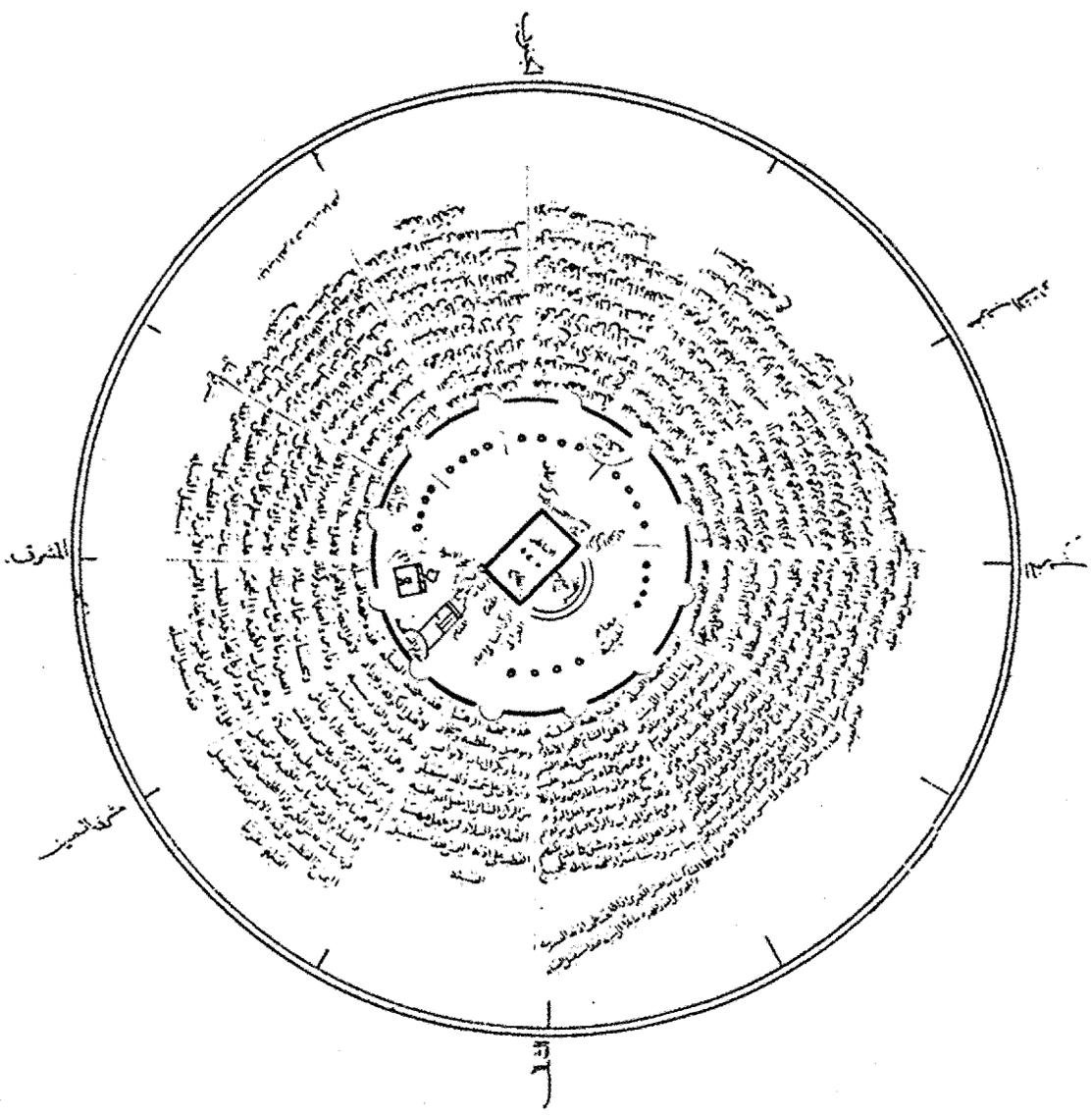
«و قال الإمام أبو داود سليمان بن خليل المكي الشافعي رحمه الله في مناسكه: قال الشافعي: «و إذا بلغ الركن العراقي و الشامي^{۴۰} لم يستلم واحداً منهما و كفته الاشارة إليهما بيده».^{۴۱}

هرچند اگر تصحیح بر طبق گزارش هامش نسخه ظاهریه، از نسخه شیخ مجدالدین صورت می‌گرفت؛ این تغایر نیز از میان می‌رفت. در ملحقات کتاب، ابن جماعه برای شناخت قبله سرزمین‌های گوناگون، دایره‌ای را از پدر خویش با این عبارت نقل می‌کند:

«هذه صفة الكعبة الشريفة و ما يحتاج إلى معرفة تصويره و بيان جهة المصلين إليها من سائر الآفاق، نقلتها من خط والدي تغمده الله برحمته و اسكنه بحبوحه جنّته و قال إنه كتبها في شهر ربيع الآخر سنة اثنين و ستين و ستمائة».^{۴۲}

تصاویر این دایره در سه نسخه خطی را مصحح محترم ضمیمه کتاب ساخته، که صورت نسخه کتابخانه ظاهریه در شکل صفحه بعد مشخص است. فاسی اسامی سرزمین‌ها و جهت قبله آنها را در کتاب خود نقل کرده که ما تنها به مقدار مرتبط به بحث خود، اکتفا می‌کنیم:

ذكر بيان جهة المصلين إلى الكعبة من سائر الآفاق و معرفة أدلة لقبله المشار إليها أخبرني بذلك خالي قاضي الحرمين محب الدين النويري سماعاً عن القاضي عز الدين بن جماعة سماعاً إنه نقل ذلك من خط والده في الدائرة التي ذكر فيها صفة الكعبة و ما يحتاج إلى معرفة تصويره و إن والده قال إنه كتبها في شهر ربيع الآخر سنة اثنتين و ستين و ستمائة قال: جهة القبلة لأهل البصرة و... و



نقشه از کتاب هدایة السالک إلى المذاهب الأربعة فی المناسک
 ج ۳، ص ۱۴۳۵

ما على سمت ذلك و هو من باب الكعبة إلى الحجر الأسود... و جهة القبلة الكوفة و... و ما كان على سمت ذلك ما بين مصلى آدم إلى قرب باب الكعبة... و جهة القبلة لأهل الرها و... و ما كان على سمت ذلك إلى القبلة يستقبلون من الركن الشامي إلى مصلى آدم... و جهة القبلة لأهل الشام كلهم إلا ما ذكر عن اليمين و دمشق في هذا القسم و هي حمص و... ما بين الميزاب و الركن الشامي، موقفهم موقف أهل المدينة و دمشق كما تقدّم لكنهم يتياسرون شيئاً كثيراً و الجهة شاملة للجميع إن شاء الله تعالى و جهة القبلة لأهل جانب الشام الغربي، و... و ما ولى ذلك من السواحل على سمتهم و هي من قبيل ميزاب الكعبة إلى دون الركن الغربي...»^{۴۳}

پدر قاضی ابن جماعه، قبله بلاد مختلف را به این ترتیب نقل می‌کند:

- از حجر الأسود تا در کعبه

- از در کعبه تا مصلى آدم عليه السلام

- از مصلى آدم عليه السلام تا ركن شامی

- از ركن شامی تا ناودان

- از ناودان تا ركن غربی و...

بر اساس نظم مذکور، او به روشنی ركن شامی را دومین ركن طواف می‌داند و گوشه سوم

کعبه را ركن غربی می‌نامد.

بی‌نوشت‌ها

۱. حسن بن یسار، فضائل مکه و السکن فیها، تصحیح سامی مکی العانی، مکتبه الفلاح، کویت، ۱۴۰۰، ص ۱۲،

به نقل از نرم‌افزار المکتبه الاسلامیه الکبری الشامله، متأسفانه آنچه در نرم‌افزار المعجم الفقهی آمده، تنها ۲۶ صفحه از این کتاب می‌باشد.

۲. همان، صص ۴۰ - ۳۹

۳. احداً چنانکه در شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۷۹ آمده است.

۴. ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، تصحیح رشدی الصالح ملحس، دو جلد، دار الأندلس، بیروت، ۱۴۱۶ هـ. ج ۱،

ص ۶۴.

۵. همان، ج ۱، ص ۲۸۹
۶. همان، ج ۱، ص ۲۸۶
۷. همان، ج ۱، ص ۲۸۷
۸. همان، ج ۱، ص ۳۲۰
۹. همان، ج ۱، ص ۲۹۱
۱۰. همان، ج ۱، ص ۶۶
۱۱. همان، ج ۱، ص ۱۷۱
۱۲. همان، ج ۱، صص ۱۶۵ - ۱۶۴
۱۳. همان، ج ۱، صص ۲۱۰ - ۲۰۹
۱۴. همان، ج ۱، ص ۲۹۴
۱۵. همان، ج ۱، ص ۲۹۶
۱۶. امام خمینی رحمته الله علیه، مناسک حج با حواشم مراجع معظم تقلید، چاپ هفتم، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۴۸، مسأله ۵۹۷
۱۷. ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۰۹
۱۸. همان، ج ۱، ص ۳۵۰
۱۹. همان، ج ۲، ص ۳۳
۲۰. همان، ج ۲، صص ۳۵ - ۳۴
۲۱. همانجا.
۲۲. محمد محمدی ری شهری، حج و عمره در قرآن و حدیث، ترجمه جواد محدثی، چاپ اول، دار الحدیث، قم، ص ۱۳۷
۲۳. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تصحیح محمد باقر انصاری زنجانی، سه جلد، چاپ سوم، دلیل ما، قم، ۱۴۲۳ هـ. ج ۲، ص ۷۲۰
۲۴. محمدبن یعقوب کلینی، الروضة من الکافی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، دو جلد، علمیه اسلامیة، تهران، ج ۱، صص ۸۹ - ۸۵
۲۵. ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۸۵
۲۶. همان، ج ۲، ص ۷۹
۲۷. همان، ج ۲، ص ۸۵
۲۸. شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چهار جلد، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۲۳۸
۲۹. ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۸۶
۳۰. محمدبن اسحاق فاکهی، اخبار مکه، تصحیح عبد الملک بن عبد الله بن دهیش، شش جلد، چاپ اول، النهضة الحدیثه، مکه، ۱۴۰۷ هـ. ج ۱، ص ۴۶۷
۳۱. همان، ج ۲، ص ۱۸۳

- ٣٢ . ابو وليد ازرقى، اخبار مكة، ج ١، ص ٣٥١
- ٣٣ . محمد بن اسحاق فاكهى، اخبار مكة، ج ٢، ص ١٨٥
- ٣٤ . همان، ج ٢، ص ١٨٦
- ٣٥ . همان، ج ٢، ص ١٨٦
- ٣٦ . همان، ج ٢، ص ٦٩
- ٣٧ . عز الدين بن جماعة كنانى، هداية السالك، تصحيح نورالدين عتر، سه جلد، چاپ اول، دار البشائر الاسلاميه، بيروت، ٥١٤١٤ هـ. ج ٣، صص ١٣٣٤ - ١٣٣٥
- ٣٨ . همان، ج ٢، ص ٩٤٢
- ٣٩ . همان، ج ٣، صص ١٣٣٤ - ١٣٣٥
- ٤٠ . درحاشية كتاب آمده است: «كذا في نسخة اخرى. وفي نسخة الشيخ مجدالدين: والغربى. هامش ظ.»
- ٤١ . عز الدين بن جماعة كنانى، هداية السالك، ج ٢، صص ٨٢٩ - ٨٢٨
- ٤٢ . همان، ج ٣، ص ١٤٣٣
- ٤٣ . محمد بن احمد فاسى مكى، شفاء الغرام، تصحيح مصطفى محمد الذهبى و ايمن فؤاد سيد، دو جلد، چاپ دوم، النهضة الحديثه، مكة، ١٩٩٩م، ج ١، صص ٢٥١ - ٢٥٠

